

## رویکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سیاسی سوریه از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹

رضا پریزاد<sup>۱</sup> و اسماعیل اویسی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استاد یار و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم r-parizad@yahoo.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم e.oweyasi@gmail.com

### چکیده

ایران، ترکیه و سوریه کشورهای راهبردی و استراتژیک در منطقه غرب آسیا هستند، که تحولات داخلی، بین‌المللی در هر کدام تأثیر متقابل با یکدیگر دارند. تهران و آنکارا در مورد تحولات سیاسی سوریه نظرات و اهداف و منافع متفاوتی دارند. سیاست کشور ترکیه یک سیاست غربی، عربی و سیاست تجزیه طلبی به سوریه دارد، ولی ایران بر پایه حکومت مردم سالاری و ابقای حکومت بشار اسد دولت قانونی سوریه می‌باشد. بحران سوریه بر کشورهای ایران و ترکیه تأثیر گذاشته و چالش‌هایی را در روابط این دو کشور پدید آورده است. رویکرد‌هایی که توسط ایران و ترکیه در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۹ در عرصه سیاست خارجی دنبال شده ریشه در تفاوت‌های رفتار سیاستگذاران و انگیزه‌های دو کشور دارد. ایران و ترکیه به عنوان دو کشور قدرتمند، تأثیر گذار و فعال در منطقه خاورمیانه می‌توانند با تحریک دیپلماتیک و تعامل با یکدیگر، از وقوع بحران در منطقه جلوگیری نمایند و با همکاری نزدیکتر می‌توانند زمینه‌های حل بحران‌های موجود را فراهم کنند. هدف اصلی در این مقاله بررسی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سیاسی سوریه از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ می‌باشد. این مقاله بر مبنای نظریه نواقعی‌گرایی تحلیل و توصیف شده است. مقاله این سوال اصلی را مطرح میکند که رویکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سیاسی سوریه از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ دنبال چه اهدافی هستند؟ فرضیه عبارت است از اینکه تحولات براساس عوامل داخلی، خارجی و حضور گروهک تکفیری و سلفی داعش در شرایط بروز تعامل کمتر و تقابل بیشتر در سیاست خارجی ایران و ترکیه را با توجه به اهداف و منافع دو کشور فراهم کرده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای، مقالات معتبر و جست‌جوی اینترنتی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ایران - سوریه - تحولات - ترکیه - سیاست خارجی

## مقدمه

یکی از مهم ترین موارد تحولات اخیر منطقه خاورمیانه که پیوند عمیقی با ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه با همسایگان دارد بحران سوریه است. سیاست های ایران و ترکیه در بحران سوریه، مسئله ای است که علاوه بر موضوع سوریه، به پیشینه روابط و سایر علل از جمله عوامل همگرایی و واگرایی روابط دو جانبه مربوط می شود. ترکیه در سایه ناسازگاری غرب با ایران، امتیازهای فراوانی به دست آورده است. از طرف دیگر، دو کشور همسایه نیاز ثبات یکدیگر برای صادرات و واردات دارند. مهم ترین متغیرهای واگرایانه بین دو کشور این است که ترکیه در اردوگاه سیاست های غرب عمل می کند و عضو ناتو است و با آمریکا روابط خوبی دارد، اما جمهوری اسلامی ایران مخالف سیاست های آمریکا و ناتو در منطقه است و سیاست مستقلی دارد.

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، دو کشور مهم منطقه خاورمیانه هستند. سیاست خارجی و روابط آنها نه تنها بر همدیگر، بلکه بر تمامی کشورهای منطقه و معادلات منطقه ای تاثیر گذار است. روابط در کشور ایران و ترکیه، به صورت قابل توجهی متأثر از عوامل بیرونی و درونی است. در سطح بین المللی و منطقه ای، رویکرد های حاکم بر سیاست خارجی دو کشور نشان از عدم الگوی مشترک است که بیانگر پتانسیل بالا برای رقابت است. درک دقیق سیاست خارجی ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر مهم منطقه ای در نظام بین الملل در زیر سیستم منطقه ای خاورمیانه بسیار پیچیده می باشد. همکاری، تنش، حسن هم جواری، هم گرایی، واگرایی، هم پوشانی و غیره و متغیرهایی همچون پیشینه تاریخی، بحران های منطقه ای، قدرت های بزرگ، نظام بین الملل، جهانی شدن و غیره... تماماً سیاست خارجی دو کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. از جمله تحولات عمده منطقه خاورمیانه بخصوص کشور سوریه که تقریباً از سال ۲۰۱۳ آغاز و کم و بیش تا ۲۰۱۹ استمرار یافته، گسترش شعاع عملیاتی داعش و جهانی شدن اقدامات این گروه بوده که به یک نگرانی عمده برای ایران و ترکیه و مجامع بین المللی تبدیل شده است. با وجود این موارد به نظر می رسد اقدامات ترکیه در ضدیت با داعش دچار نوعی از ابهام در عمل نیز بوده و ترکیه از تمام توان خود برای مقابله با داعش بهره نگرفته و حتی بنابر دلایلی نظیر تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک شیعه و نهضت مقاومت منطقه ای و همچنین در راستای مقابله با تمایلات جدایی طلبانه اکراد منطقه، از داعش استفاده ابزاری کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در این میان که همواره در پی ارتباط نزدیک و سازنده ی دو جانبه و چند جانبه با کشورهای منطقه است، نسبت به بحران سوریه توجه خاصی را مبذول می دارد. به ویژه آنکه قرار گرفتن این کشور در محور مقاومت اسلامی از اهمیت راهبردی ویژه ای برای ایران برخوردار است.

## چارچوب نظری: نو واقع گرایی

اصول اساسی نو واقع گرایی را باید در کتاب نظریه سیاست بین الملل کنت والتز مشاهده نمود. نو واقع گرایی سطح تحلیل را نظام بین الملل قرار می دهد و معتقد است؛ ساختار نظام بین الملل تعیین کننده نوع و قواعد بازی است و نوع بازی را با تاکید بر فایده های نسبی، بازی حاصل جمع جبری صفر می داند. بر این اساس سیاست خارجی همه دولت ها تحت تاثیر عوامل سیستمیک قرار دارد و مانند توپ بلیارد از همان قواعد هندسه و فیزیک سیاسی تبعیت می کند. در چارچوب این نظریه، مساعی دولت ها در قالب مساعی داخلی (افزایش توانایی های نظامی، اقتصادی و ...) و مساعی خارجی (تقویت اتحادهای خود یا تضعیف اتحادهای طرف مقابل) قرار می گیرد. (قوام، ۱۳۹۰: ۸۹-۸۴)

البته استفن والت از نو واقع گرایان مبدع نظریه موازنه تهدید معتقد است که دولت ها در برابر تمامی توانمندی های خارجی دست به موازنه نمی زنند بلکه در برابر تهدیدات، موازنه سازی می کنند. به عبارتی بهتر، تهدیدات بر حسب نیت ها و توانمندی ها تعریف می شوند. (برچیل و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹)

یک ساختار بر حسب چینش اجزای آن تعریف می شود. تنها تغییرات مربوط به نحوه چینش اجزاء تغییرات ساختاری هستند. یک نظام متشکل از یک ساختار و اجزای متعامل است. هم ساختار و هم اجزاء مفاهیمی هستند. که با کارگزاری ها و کارگزاران واقعی رابطه دارند، ولی دقیقاً همان کارگزاری ها و کارگزاران واقعی نیستند. ساختار، چیزی که ما می بینیم

نیست و باید ساختار را برحسب نحوه چینش اجزای نظام و برحسب اصل حاکم بر آن چینش تعریف کنیم ( والتز ، ۱۳۹۴ : ۱۱۵ )

اصل نظم دهنده نظام های بین المللی ، آنارشی است و سیاست بین الملل در « سیاست غیاب حکومت » است . به لحاظ رسمی ، هر واحد برابر، تمامی واحدهایی دیگر است . هیچ کس ناگزیر نیست اطاعت کند و هیچ کس استحقاق فرمانروایی کردن را ندارد . ( والتز ، ۱۳۹۴ : ۱۲۶ ). نظریه نو واقع گرایی نشان می دهد که علت ها یک سویه نیستند و از واحد هایی متعامل به نتایج حاصل ختم نمی شوند ، بلکه دو سویه اند . باید برخی علت های نتایج بین المللی را در سطح واحد های متعامل بدانیم ولی چون تغییر علت هایی مطرح در سطح واحد ها با تغییر نتایج مشهود نمی خواند ، چاره ای جز این نیست که برخی علت ها را نیز در سطح ساختار نظام بین الملل بدانیم . ( لینکلتر ، ۱۳۸۶ : ۲۴ )

نو واقع گرایی به دو شاخه تدافعی و تهاجمی تقسیم می شود . بقا و سلطه ، جلوه های افراطی جهت گیری های تدافعی و تهاجمی است . تقسیم بندی نو واقع گرایی به تدافعی و تهاجمی ، در واقع تمایز گذاری واقع گرایی کلاسیک میان قدرت های طرفدار وضع موجود و تجدید نظر طلب را احیا می کند . ( برچیل و همکاران ، ۱۳۹۱ : ۷۰ )

اساساً واقع گرایان تدافعی معتقدند دولت ها با توجه به سیاست حفظ وضع موجود، خواهان دستیابی به حداکثر امنیت می باشند . بر این اساس اتخاذ سیاست تهاجمی یا توسعه طلبانه ضرورتی ندارد و امنیت را می توان از روش های آسان تری تامین نمود . دولت ها در پاسخ به تهدیدات نظام بین الملل ، خواهان توازن در مقابل دولت تهدید کننده در راستای حفظ یا بازگرداندن وضع موجود می باشند . در غیاب تهدیدات ، نظام سبب ایجاد سیاست های معتدل و احتیاط آمیز خواهد شد . در مقابل ، واقع گرایی تهاجمی معتقد است که امنیت و بقا در نظام بین الملل تامین نمیگردد . لذا دولت ها با افزایش قدرت نسبی خود در مقابل سایر رقبا، خواهان دستیابی به حداکثر امنیت می باشند. از دیدگاه نظریه پردازان واقع گرایی تهاجمی ، خواه تهدیدی در نظام بین الملل وجود داشته باشد یا نداشته باشد باید هر دولتی قدرت خود را افزایش دهد؛ زیرا کشور ها در صورت وجود تهدیدات خاص با افزایش قدرت نسبی خود ، ابزار توسعه طلبی و سابقه تسلیهاتی را در دستور کار خود قرار می دهند و در صورت عدم وجود تهدیدات ، باز به علت ناآگاهی از تهدیدات آینده و در صورت وجود تهدید در سیستم می توانند در کم ترین زمان ، مطلوب ترین پاسخ را به تهدیدات آینده و در صورت وجود تهدید در سیستم می توانند در کم ترین زمان ، مطلوب ترین پاسخ را به تهدیدات بدهند. بنابراین دستیابی به حداکثر امنیت از طریق به حد اکثر رساندن قدرت نسبی ، پاسخی عقلانی به وضعیت آنارشی است . ( قاسمی ، ۱۳۹۳ : ۱۰۶ \_ ۱۰۵ )

لازم به توضیح است که دنیای واقع گرایی تدافعی به نحو غیر واقع بینانه ای صلح آمیز خواهد بود . اما اگر اغلب دولت ها واقع گرایان تدافعی نباشند، روابط بین الملل نوعی جنگ هابزی همه علیه همه خواهد بود که این گونه هم نیست . به نظر می رسد واقع گرایی به هر دو مفروض نیاز دارد تا بتواند حیطة ای را که اکثر واقع گرایان خواهان بررسی آن هستند ، حفظ کند. ( برچیل و همکاران ، ۱۳۹۱ : ۷۱ ) یکی از مهم ترین نظریه هایی که می تواند در مورد تبیین رویکردهای

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه و نقش این بحران در واگرایی این دو کشور موثر واقع شده است و درک مناسبی از ماهیت و اقدام این دو بازیگر در منطقه به دست دهد ، نظریه نو واقع گرایی در قالب واقع گرایی تدافعی و تهاجمی است ؛ زیرا در این بحران ، ایران به دنبال حفظ وضع موجود و حفظ بشار اسد با بهره گیری از سیاست خارجی تدافعی منطبق با منطق نظری واقع گرایی تدافعی است . در مقابل ، ترکیه به دنبال براندازی و تغییر وضع موجود از طریق حمایت از مخالفان بشار اسد با بهره گیری از سیاست خارجی تجدید نظر طلبانه و تهاجمی است .

### سیاست خارجی ایران :

عدم مداخله در امور و شئون داخلی کشور های دیگر و احترام متقابل، لازم منطقی همزیستی مسالمت آمیز و صلح طلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. زیرا مداخله در مسائل و موضوعاتی که به یک کشور و ملت خاص اختصاص دارد، ممکن است موجب تنش، دشمنی، منازعه و در نهایت جنگ بین کشور ها گردد؛ بنابراین یکی از اصول نظری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پرهیز از دخالت در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است. اصل

۱۵۴ قانون اساسی بیان می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران متعهد به «...خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر...» امام خمینی (ره) می‌فرماید: «امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملتها و عدم مداخله در امور یکدیگر و... بنا گردد»

براساس اسناد رسمی، به ویژه قانون اساسی بیانات امام خمینی (ره) و تعدادی از عملکرد رفتاری ایران اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: ۱- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عزت ۲- استکبار زدایی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی ۳- حمایت از مستضعفان و محرومان ۴- حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان ۱- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عزت:

از اصول مهم و اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نفی و طرد کامل هرگونه سلطه و ستمگری و ستم‌پذیری است. جمهوری اسلامی، بر اساس آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی باید در سیاست خارجی خود از مناسبات و روابط مبتنی بر سلطه اجتناب نماید. به طور منطقی و طبیعی، برنافتن سلطه متضمن و مستلزم عدم وابستگی به نظام سلطه و عدم تعهد نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت هر دو وجه این اصل و قاعده کلی را بیان کرده است. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری... و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر... استوار است» امام خمینی (ره) می‌فرماید: از اصول مهم است که مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ‌یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند.»

۲- ظلم ستیزی، عدالت خواهی و استکبار ستیزی: عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان در سیاست خارجی لازم است ولی کافی نیست. ریشه‌های عدالت‌طلبی، مبارزه با ظلم و استعمار و استکبار ستیزی را توأمان می‌توان در فرهنگ ایرانی و ایدئولوژی اسلامی ردیابی کرد. با وجود این، نقش و تاثیر اصل عدالت خواهی و استعمارزدایی یا آنچه بعد از انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران استکبار ستیزی نامیده شد، باید ناشی از ایدئولوژی آموزه‌های اسلامی دانست.

### ۳- حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزاد بخش:

این اصل لازم و مکمل استکبار زدایی و ظلم ستیزی است، به طوری که ارتباط منطقی و کارکردی بین مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان وجود دارد. به عبارت دیگر دو گونه می‌توان استکبار زدایی کرد: نخست: مبارزه با مستکبران و سلطه‌گران که مهم‌ترین عامل استضعاف ملتها هستند.

دوم: حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول نظام سلطه و خشونت ساختاری نظم استکباری هستند. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد «جمهوری اسلامی ایران... از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

### ۴- حمایت و دفاع از مسلمانان:

مبارزه با استکبار و پشتیبانی از مبارزات مستضعفان در برابر مستکبران، حمایت جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان و دفاع از حقوق آنان را به طریق اولی ایجاب می‌کند، چون در حقیقت همه مسلمانان و کلیه جوامع پراکنده اسلامی اجتماع و امت و احدی را تشکیل می‌دهند که دولت اسلامی مکلف به حمایت و دفاع از آنان است. بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی، «بر اساس... تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان» متعهد به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان است. بر همین اساس امام خمینی (ره) اظهار می‌دارد: «با تمام مسلمانان برادر هستیم و این یک اصل اسلامی است که هر مسلمانی باید به مسلمانان دیگر کمک کند». «جمهوری اسلامی ایران مایل است براساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملت‌های اسلامی، آنان را در مشکلات یاری نماید». (دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۹۹، ۱۳۸، ۱۲۹)

سیاست خارجی ترکیه:

هنگامی که به سیاست های ترکیه طی چندین سال گذشته با دقت بیشتری نگریسته شود، ناخودآگاه دوران اقتدار امپراتوری عثمانی و حوزه نفوذ وسیع آن به ذهن متبادر می شود. از این رو است که گرایشات حزب عدالت و توسعه را می توان در قالبی نو از این اقتدار، تحت مفهوم نوعثمانیسم که دارای سه مؤلفه برجسته ذیل است، تبیین نمود .

اولین مورد، اعتقاد به لزوم کنش گری یا تمایل به نزدیکی با شرایط ترکیه دوره عثمانی و میراث اسلامی آن در داخل و خارج است. با این وجود، نوعثمانیسم به دنبال امپریالیسم ترکی در خاورمیانه و فراتر از آن نبوده و هم چنین به دنبال برقرار کردن یک نظام حقوقی اسلامی در ترکیه مدرن نمی باشد. در عوض، نسخه ای تعدیل شده از سکولاریسم کمالی در داخل ترکیه و سیاست کنش گری فعال در امور خارجی است که مخصوصاً در تمایل ترکیه به میانجی گری در اختلافات مشهود است. لذا در پارادایم نوعثمانیسم، آنکارا قدرت نرم بیشتری اعم از نفوذ سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی در قلمروهای پیشین امپراطوری عثمانی مانند خاورمیانه، شمال آفریقا و شبه جزیره بالکان و همین طور سایر مناطقی که ترکیه در آنها منافع ملی و استراتژیک دارد، اعمال می کند.

این دیدگاه موسع در سیاست خارجی ترکیه نیازمند پذیرش میراث قدرتمند دوره عثمانی و مهم تر از آن تعریفی نو از هویت ملی و استراتژیک ترکیه است. از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در اواخر سال ۲۰۰۲، اساس سیاست خارجی ترکیه به تعبیر احمد داوود اغلو، مشاور ارشد سیاست خارجی وقت ترکیه و وزیر امور خارجی کنونی دولت رجب طیب اردوغان، نخست وزیر فعلی این کشور، رویکرد عمق استراتژیک و مشکل صفر همسایگان بوده است. استدلال اصلی داوود اغلو این بوده که ترکیه قدرت بزرگی است که وابستگی های تاریخی و فرهنگی و هم چنین روابط دیپلماتیک، اقتصادی و سیاسی خود با مناطق همجوار در خاورمیانه، شمال آفریقا و اورآسیا را تا حدی به دلیل گرایش شدید غرب، فراموش کرده است. ( Davatoglu، ۲۰۰۲: ۲۲)

سیاست مشکل صفر به جای اتخاذ رویکرد اولویت امنیتی که اغلب منجر به تقابل با همسایگانی مثل یونان، عراق، قبرس، سوریه و ایران می شد. طرفدار استراتژیک اعتماد به نفس بیشتری برای تعامل دیپلماتیک با محیط پیرامونی ترکیه است. از طرف دیگر، دیدگاه نوعثمانیسم که بر رویکرد تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه در سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹ و رئیس جمهور این کشور در ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ مبتنی است، به دنبال بازیابی میراث امپراتوری عثمانی و ایجاد وفاق بین گروه های مختلف داخلی با هویت های غربی، اسلامی، سکولار، کرد و ترک است. چنین تأکیدی بر میراث عثمانی، جزئی از نقشه اسلامی سازی ترکیه و سیاست خارجی ترکیه نیست، بلکه تلاشی در راستای گسترش و متوازن کردن افق های ژئواستراتژیک کشوری است که تا همین اواخر به شدت متمایل به دنبال کردن یک مسیر منحصراً غربی بود. جنبه ای واقعی تر و ملموس تر از کنش گری ترکیه و داشتن احساس عظمت نسبت به دوران عثمانی، مسائل اقتصادی است. اقتصاد روبه رشد، ظرفیت های صادرات و بخش خصوصی کار آفرینی، نیروهای محرکه مهم نوعثمانیسم ترکیه در خاورمیانه و شمال آفریقا هستند، در دوران تصدی حزب عدالت و توسعه، صادرات ترکیه به خاورمیانه و شمال آفریقا به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. در تجزیه و تحلیل رویکرد شمال آفریقا به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. در تجزیه و تحلیل رویکرد حزب عدالت و توسعه نسبت به اعراب که قسمت عمده جهان اسلام را تشکیل می دهند، نباید این جنبه مرکانتالیستی سیاست خارجی ترکیه نادیده گرفته شود. برای اثبات این مدعا باید گفت که صادرات ترکیه به اتحادیه اروپا هنوز بخش اعظمی از کل ظرفیت صادراتی ترکیه را تشکیل می دهد. با این وجود، سهم اتحادیه اروپا از کالاهای ترکیه ای در طول ۱۰ سال گذشته افزایش نیافته است. در واقع طی دو سال گذشته و به دلیل بحران اقتصادی در اروپا، این مقادیر کاهش نیز یافته است. در مقابل، صادرات ترکیه به خاورمیانه از ۹/۶ درصد کل ظرفیت صادراتی در ۲۰۰۲ به ۲۰/۳ درصد کل ظرفیت صادراتی این کشور در سال ۲۰۱۱ رسیده است. (Oxford AnaLytica، 2012: 4)

جنبه دوم نوعثمانیسم، تأکید آن بر چند فرهنگ گرایی است. این امر بیش از هر جای دیگر، در رد ملی گرایی توأم با یکسان سازی فرهنگی که صفت بارز جریان کمالیستی است، مشاهده می شود. از آنجایی که نوعثمانیسم با میراث چند ملیتی دوران امپراتوری عثمانی سازگار است، راهگشای ایجاد یک مفهوم سازی چند فرهنگی کمتر نژادی از شهروندی کشور ترکیه می

شود. بر خلاف جریان کمالیستی ملی گرا، نعثمانیسم، تا زمانی که کردها احساس وفاداری به جمهوری ترکیه داشته باشند حقوق فرهنگ کردها و ابزار هویت ملیتی آن‌ها را تهدید بزرگی به حساب نمی‌آورد. لذا در هنگام مواجهه با مطالبات کردها در زمینه های حقوق فرهنگی و سیاسی، دیدگاه نعثمانیسم در صدد تامین این حقوق در چارچوب چند فرهنگ گرایی و هویت اسلامی برمی‌آید. به بیان دیگر، برخلاف کمالیست های تندرو که بر اجرا کردن یکسان سازی فرهنگی در مورد کردها اصرار دارند، نعثمانیسم اجازه می‌دهد تا اسلام، نقش بیشتری را در ایجاد احساس هویت مشترک بازی کند. در حالی که از لحاظ تاریخی، چالش کردها موجب بروز واکنش، احتیاط و احساس نگرانی بیش از حد آنکارا شده است. نعثمانیسم سیاست گذاران ترکیه را به عمل بی پروا، خلاقانه و فعال تر تشویق می‌کند، چرا که نعثمانیسم ترکیه را یک ابر قدرت منطقه ای مطمئن می‌بیند. این دیدگاه استراتژیک و فرهنگ نعثمانیسم با ابتنا بر این که ترکیه به عنوان یک کشور کلیدی و مرکزی باید نقش بسیار فعال دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی در منطقه وسیع پیرامونش ایفا کند، گستره جغرافیایی امپراطوری های عثمانی و بیزانس را منعکس می‌کند. چنین جاه طلبی های بزرگی به نوبه خود نیازمند داشتن دیدی استراتژیک در کنار آمدن با هویت های چندگانه فرهنگی درون ترکیه از قبیل گذشته اسلامی و چند ملیتی این کشور است.

اما سومین جنبه نعثمانیسم این است که تنها به حرکت به سوی جهان اسلام اکتفا نمی‌کند، بلکه به همان شدتی که غرب جهان اسلام را در بر گرفته است، ترکیه نیز باید چنین رویکردی را دنبال کند. شایان توجه است که دیدگاه نعثمانیسم حزب عدالت و توسعه با سیاست های نجم الدین اربکان، رهبر جنبش اسلامی ترکیه بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ و نخست وزیری این کشور ۱۹۹۷-۱۹۹۶ بسیار متفاوت است. اربکان در پی اتحاد اسلامی با کشورهای مسلمان نظیر یمن، ایران، ماندی و اندونزی بود تا صراحتاً این روابط را جایگزین اتحاد با غرب نماید، حال آنکه حزب عدالت و توسعه در صدد حرکت به سوی مناطق غیر غربی برآمده است تا این روابط را به روابط پیشین با غرب بیافزاید، نه این که جایگزین آن‌ها کند. با این وجود، منتقدین سکولایز حزب عدالت و توسعه بر این نکته پافشاری می‌کند که کنش گری ترکیه در خاورمیانه، نوعی خیانت به تمایلات و گرایش های غربی جمهوری ترکیه است. این منتقدین اغلب بر پیشینه سیاسی اسلامی حزب عدالت و توسعه تمرکز می‌کنند و به دنبال یک دستور کار مخفی اسلامی در پس رویکرد حزب عدالت و توسعه به جهان عرب و ایران که از سال ۲۰۰۲ در چارچوب سیاست مشکل صفر جریان داشته، می‌گردند. لیکن درست مانند شهر استانبول که بین اروپا و آسیا واقع شده است، نعثمانیسم اردوغان نیز دو وجهی است و میراث اروپایی برای نعثمانیسم اهمیت شایان توجهی دارد (Taspınar, 2012:130).

### رابطه سیاسی ترکیه با سوریه:

ترکیه و سوریه از گذشته تا به حال در روابط دو جانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده اند. در این میان سه اختلاف اصلی بر روابط این دو کشور اثر گذار بوده است. اختلاف ارضی در مورد استان هاتای، تقسیم منابع آب مشترک و مسأله کردها، سه اختلاف فوق الذکر در گذشته با درجات مختلف از شدت و ضعف بر روابط ترکیه و سوریه سایه انداخته و همواره باعث ایجاد تزلزل در روابط دو جانبه این کشورها بوده است. اگرچه دو کشور سوریه و ترکیه در گذشته با یکدیگر مشکلات حاد دیرینه ای داشته اند و ترکیه در تصمیم خود مبنی بر اتحاد با اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۹۰، نیم نگاهی به تضعیف سوریه داشته است و روابط دو جانبه روبه وخامت می‌رفت. به هر حال روابط دو کشور با امضای توافق نامه همکاری امنیتی آدنا در سال ۱۹۹۸ از مسیر بحران خارج شد و روبه بهبود گذشت. (جعفری ولدانی و نجات، ۱۳۹۲:۱۴۹)

با به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۰۰ و حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، سرعت توسعه روابط امنیتی، اقتصادی و سیاسی دو کشور افزایش یافت. ترکیه چالش های امنیتی فراوانی را با همسایگان خود داشته است، لذا رهبران حزب عدالت و توسعه، همکاری با همسایگان قدم برداشته اند. بهبود روابط با سوریه از جمله این اقدامات بود. (Griyoriadis, 2010)

دو کشور بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹ حدود ۵۰ توافق نامه همکاری امضاء و ایجاد شورای عالی همکاری راهبردی را اعلام کردند. علاوه بر این در سال ۲۰۰۹ ترکیه و سوریه نخستین تمرین نظامی مشترک را انجام دادند. ترکیه و سوریه در سال

۲۰۱۰، توافق نامه ی مبارزه با تروریسم را امضاء کردند و ترکیه در سال ۲۰۱۱ به بزرگترین شریک تجاری سوریه تبدیل شد . (صفوی، نبوی، ۱۳۹۵: ۱۲۷) همچنین در سال ۲۰۱۰ حجم تجارت بین دو کشور تقریباً ۲/۵ میلیارد دلار بود که ۱/۶ میلیارد دلار نسبت به سال ۲۰۰۹ افزایش یافت. در سطح روابط گردشگری نیز در سال ۲۰۱۰ ۷۵۰/۰۰۰ نفر از مردم سوریه از ترکیه بازدید کردند ، در حالی که ۱/۳۵ میلیون ترک از سوریه بازدید کردند. ( Bishku، ۲۰۱۶ )

در سطح روابط سیاسی نیز، بشاراسد در ژانویه ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرد، این نخستین دیداری بود که توسط رئیس جمهور سوریه از ترکیه از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ اتفاق افتاد. اسد ملاقات رسمی خود از ترکیه را از این چنین توصیف کرد. « ما از یک فضای بی اعتمادی در حال گذار به دورانی از اعتماد هستیم» این دید و دیدگاه و بازدیدها در سطح سران و مقامات عالی رتبه ادامه پیدا کرد. روابط سوریه و ترکیه به ویژه پس از سفر اردوغان به دمشق در دسامبر سال ۲۰۰۹ برای شرکت در شورای همکاری استراتژیک گسترش یافت و می توان روابط دو کشور را مثبت ارزیابی نمود. (حمیدی و قاسمی ، ۱۳۹۴: ۶۶)

بنابراین دولت حزب عدالت و توسعه تغییر روابط با دمشق را از لبه جنگ به یک رابطه نزدیک مدیریت کرده بود. ولی بعد از شروع ناآرامی ها در سوریه ، ترکیه با وضعیت جدیدی مواجه شد که نیاز به بازبینی روابطش با همسایگان و به خصوص سوریه بحران زده داشت (نیا کوئی و ستوده ، ۱۳۹۵ : ۱۳۲ ) در این راستا ، رجب طیب اردوغان ، انتقاد روبه رشد خود از رژیم بشار اسد و خواست او برای تحریم علیه آن را توضیح داد : « ما یک دوستی داشتیم که نه سال پیش آغاز شد ، اما سوریه موفق به درک این موضوع نشد . دولت سوریه به هشدارهای ما توجه نکرد و در عوض متأسفانه قتل و عام و کشتن مردم ، تبدیل شدن آنها به شهیدان ..... من معتقدم که مردم سوریه در مقاومت شگفت انگیز خود موفق خواهند بود . (۲۰۱۶ : Bishku ) : ترکیه با نادیده گرفتن روابط تاریخی خود با سوریه در کنار تلاش های دیپلماتیک برای برکناری فوری بشار اسد از قدرت و محاکمه به عنوان جنایتکار جنگی ، به صورت فعال به حمایت از مخالفان و تروریست های سوریه که از آن ها به عنوان معارضان میانه رو یاد می کرد ، پرداخت و گذرگاهی مرزی را نیز به صورت نامحدود در اختیار تروریست ها قرار داد. (عسگریان و تجری، ۱۳۹۶ : ۱۵۶ )

رهبران ترکیه ابتدا سیاست محتاطانه ای (سکوت) را نسبت به نا آرامی های سوریه اتخاذ کردند. در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ داوود اغلو خطاب به بشاراسد خواهان توجه به صدای مردم و خویشتن داری در برابر معترضان با اعمال اصلاحات و انجام گفتگوی ملی با اخوان المسلمین شد. اما در ادامه و زمانی که کشتار غیر نظامیان به بیش از ۲۳۰۰ نفر رسید، رهبران ترکیه سیاست تهاجمی و تقابلی علیه بشاراسد اتخاذ نموده و خواهان مداخله شورای امنیت ملل متحد و پایان دادن به عملیات نظامی تحت عنوان دموکراسی نو و اقدامات بشر دوستانه در سوریه شدند. ( ۱۱ : ۲۰۱۱ ، Stuart )

#### مواضع سیاسی ترکیه در قبال داعش در سوریه :

در باب سیاست ترکیه در قبال داعش ، دو دیدگاه وجود دارد . از یک طرف ، دولت ترکیه مدعی است نه تنها هیچ گاه به این گروه تروریستی کمکی نکرده ، بلکه ترکیه اولین کشوری بوده که از آن در عرصه بین المللی به عنوان سازمانی تروریستی یاد کرده و با آن به مبارزه پرداخته است. ( Davuto-iu : 2014 )

در نقطه مقابل ، به نظر می رسد نوعی اتفاق نظر بین المللی وجود دارد مبنی بر اینکه ترکیه ، روابط حسنه ای با داعش دارد . دیدگاه های متنوعی در این مورد مرزی ، سازماندهی داعش در خاک این کشور و جذب نیرو در داخل ترکیه اغماض کرده یا به صورت موثری عکس العمل نشان نداده است . ( Iddon ، ۲۰۱۵ ) . این انفعال را محصول دست کم گرفتن خطر داعش هم دانسته اند . ( Iddon ، ۲۰۱۵ ) . به نظر جمعی از تحلیل گران این غفلت ناشی از برداشت اشتباه اردوغان بود ؛ زیرا اردوغان مدعی بود و هست که مسلمان واقعی نمی تواند تروریست باشد و بر اساس این برداشت اجازه داده شد هزاران تروریست جهادی از لیبی تا چین وارد خاک سوریه شدند ( Yesilada ، ۲۰۱۴ ) .

در درون این طیف از ارزیابی ها ، کسانی هم هستند که بر شباهت ایدئولوژیک اردوغان و هم فکران و هم حزبی هایش با گروه های تند رو و افراط گر تاکید می کنند. به زعم این تحلیل گران ، ایدئولوژی اخوانی اردوغان ، تمایلات افراد عضو حزب

عدالت و توسعه و جریان های نزدیک به آن و وجود دشمنان مشترکی چون ایران و بشار اسد، باعث قرابت و نزدیکی مواضع و همکاری آن بوده است. ( موسوی، ۱۳۹۵: ۷-۳۶۶ )

در آوریل سال ۲۰۱۳، با گسترش حضور گروه « دولت اسلامی عراق » در خاک سوریه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) موجودیت کرد. در ابتدا، تاسیس جبهه نصرت اهل شام « النصره » برای کمک به مسلمانان (یعنی رادیکال ها) سوریه، از طرف القاعده عراق به رهبری ابوبکر بغدادی اعلام شد و از اتحاد این دو، داعش ظهور کرد. اما الجولانی، رهبر جبهه النصره، اتحاد را رد کرد و به این ترتیب، اختلاف داخلی گروه های رادیکال مزبور به سر حد جنگ تمام عیار رسید ( Birke ۲۰۱۳ ). با این تحول، سرشت جنگ سوریه دچار تغییری اساسی شد. در واقع، دو تحول را می توان نقاط عطف در استراتژی سوریه ترکیه تلقی کرد: ۱\_ ورود پ.ی.د به صحنه سوریه و قدرت گیری آن ۲\_ اعلام وجود داعش و سیاست های این گروه به نظر میرسد در ابتدای جنگ داخلی، نه تنها ترکیه، بلکه اروپاییان و آمریکایی ها هم شناخت کامل و دقیقی از طیف های اپوزیسیون و برنامه های این گروهها نداشتند.

از این رو، کمابیش هر گروه مدعی جنگیدن با حکومت بشار اسد، در زمره اپوزیسیون قرار گرفت و مورد حمایت « دوستان سوریه » بود. دوستان سوریه همان گونه که اشاره شد، عنوان مجموعه ای از کشورهای غربی و منطقه ای طرفدار اپوزیسیون سوریه و مخالف اسد بود و جلسات متعددی هم برای جلب کمک و حمایت برای گروه های مزبور برگزار کرد. ( ۲۰۱۳، DaLoylu )

در اینجا لازم است اشاره شود که داعش از استراتژی انفعال ترکیه راضی تر بوده تا ورود تمام عیار این کشور به جنگ با این گروه تروریستی، زیرا در صورت بروز مناقشه بین طرفین، سخت گیری بیشتری نسبت به گروه اعمال می شد. اگر بخواهیم آنچه را تا کنون گفته شد به ایجاز بیان کنیم. چنین به نظر می رسد که حکومت ترکیه بر اساس ارزیابی مشکوکی، سرنگونی حکومت اسد را نزدیک تلقی کرده و مصرانه از آن حمایت کرده است.

ترکیه در این راه، از تقریباً همه مخالفینی که با حکومت دمشق می جنگیدند، پشتیبانی کرده است. با تضعیف اقتدار دولت سوریه و ورود بازیگرانی چون پ.ی.د به میدان و تهدیدی که از آن ناحیه متوجه تمامیت ارضی ترکیه می شد. نگرانی های جدید و از این رو، استراتژی جدیدی برای آنکارا ضرورت یافته است. ارزیابی ترکیه از پدیداری داعش هم اشتباه بود. ( ۲۰۱۴، BuLat )

در مجموع، می توان گفت وقتی سیاست « انفعال » و صبر و انتظار ترکیه در رابطه با داعش جواب نداد و تهدید پ.ی.د در امر تفع نساخت، ترکیه خود مجبور شد به طور مستقیم وارد درگیری های شمال سوریه شود. با وجود این، نمی توان گفت ترکیه قاطعانه در برابر داعش ایستاده است. به نظر می رسد تقابل ضعیفی که بین ترکیه و داعش در شمال سوریه شکل گرفت، تاکتیکی بوده و آینده آن، بستگی به تحولات میدانی و سیاسی و برداشت و محاسبات رهبران ترکیه از این تحولات خواهد داشت.

### مواضع سیاسی ایران در قبال داعش در سوریه :

جمهوری اسلامی ایران نیز در این میان که همواره در پی ارتباط نزدیک و سازنده ی دو جانبه و سه جانبه با کشورهای منطقه است و حتی یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود را تعامل سازنده با قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای تعریف نموده است. نسبت به بحران سوریه توجه خاصی را مبذول می دارد. به ویژه آنکه قرار گرفتن این کشور در محور مقاومت اسلامی از اهمیت راهبردی ویژه ای برای ایران برخوردار است. چنین به نظر می رسد که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه ای در این بازی حاصل جمع صفر، بیم آن دارد که با تغییر رژیم سیاسی سوریه، حکومت جایگزین، محور مقاومت اسلامی را از هم بگسلد.

به همین جهت از زمانی که جنگ داخلی در سوریه آغاز شد، جمهوری اسلامی ایران به طور فزاینده ای تلاش نموده تا اقدامات و پیشگیری های لازم را نسبت به جلوگیری از تشدید این بحران و حل و فصل مسالمت آمیز آن انجام دهد.



جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بحران سوریه همواره سعی نموده تا ضمن حمایت از خواسته های مردم این کشور ، تاکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت علمی در سوریه ، حمایت همه جانبه خود را نسبت به این کشور اعلام کند. ( نجات و جعفری ولدانی ، ۱۳۹۲ : ۴۱ ) به همین جهت تلاش های جامعی را جهت مشاوره و کمک مستشاری به ارتش سوریه انجام داده تا حکومت سوریه همچنان بر سر قدرت محفوظ ماند. ( Fulton ، ۲۰۱۳ : ۱۰ \_ ۱۳ )

چرا که اگر جمهوری اسلامی ایران دست از حمایت حکومت بشار اسد در سوریه بردارد ، هیچ تضمینی وجود ندارد که حکومت جدیدی که در دمشق قدرت را به دست گیرد روابط خود را با ایران همچنان ادامه دهد. پس جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا در این مرحله دست کم حکومت دمشق را از بحران خارج نماید. ( Goodarzi ، ۲۰۱۳ : ۵۰ )

جمهوری اسلامی ایران به این مسأله واقف است که در قبال حمایت هایش از حکومت بشار اسد ، همکاری و ائتلاف با سوریه همچنان تداوم خواهد یافت.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با تداوم حمایت خود ، چندین هدف حیاتی دیگر نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه با هدف جلوگیری از توسعه ی نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه ، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می کند . از این منظر با فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، بعید به نظر می رسد که حکومت جایگزین در این کشور با جمهوری اسلامی ایران در دست یابی به اهداف منطقه ای و بین الملل مشترک ، همراهی و سازگاری نشان دهد. ( Bartell and Gray ، ۲۰۱۲ : ۱۴۲ )

از منظری دیگر می توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه ی مقاومت اسلامی قلمداد می کند و به همین دلیل اعتراضات و ناآرامی های درونی سوریه را نوعی انتقام گیری از موقعیت برجسته ی سوریه در مقاومت علیه نظام سلطه و متحدان منطقه اش می داند . از طرف دیگر سوریه به عرصه ای برای قدرت نمایی کشور های رقیب منطقه ای یعنی عربستان و ترکیه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است . به عبارت بهتر سوریه به کانون تضاد منافع نیابتی کشورهای غربی و هم پیمانان آن ها در منطقه خاورمیانه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است . ( نجات و جعفری ولدانی ۱۳۹۲ \_ ۴۲ )

جمهوری اسلامی ایران در طی بحران سوریه هیچ گاه از راه حل های نظامی و دخالت سایر کشور ها اعم از کشور های منطقه ای و غربی ، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت ننموده است . بلکه بر عکس ، مسئولان و تصمیم گیرندگان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است . تاکید جمهوری اسلامی ایران بر حل بحران داخلی سوریه ، توسط مردم سوریه می باشد. و هر نتیجه ای نیز که در این راستا حاصل شود ، بنابر صلاح دید مردم این کشور رقم خورده است . با توجه به ، دیدگاه حمایتگرانه ی جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل بحران سوریه در سه مولفه مهم خلاصه می شود. ۱\_ توقف خشونت و کشتار مردم سوریه ۲\_ عدم مداخله ی سیاسی و نظامی بیگانگان ۳\_ حفظ دولت بشار اسد در کنار تاکید بر ضرورت اصلاحات داخلی . ( پرچم دار ، ۱۳۹۲ : ۵۹ \_ ۵۸ )

تردید نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان یک متحد راهبردی در منطقه ی خاورمیانه می نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه های اسلامی از قبیل حماسی و حزب الله را همواره بعنوان یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است . همچنین جمهوری اسلامی ایران سوریه را به عنوان یک سپر دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می نماید که در صورت فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد . به همین جهت جمهوری اسلامی ایران به حکومت بشار اسد در سوریه ، کمک مالی ، نظامی و امنیتی اعطاء می نماید . ( نیاکویی و همکاران ، ۱۳۹۲ : ۱۳۴ \_ ۱۳۳ )

از حمایت ها و ارسال منابع مادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران به سوریه می توان چند مسأله را استنباط نمود ؛ اول اینکه حکومت سوریه در کوتاه مدت سقوط نخواهد کرد . البته این امکان وجود دارد که نظام سوریه تضعیف شود و یا فشارهای بین المللی کشور های غربی بر سوریه تشدید شود اما حاکمیت سوریه همچنان بر قرار خواهد ماند . دوم اینکه انگیزه ی ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی بودن سوریه تشدید شده و این امر به تعمیق توان محور مقاومت خواهد انجامید که این امر برای

جمهوری اسلامی ایران بسیار ارزشمند است. سوم اینکه دولت های غربی در رویکرد خود نسبت به مسئله ی هسته ای ایران سعی نموده اند که بحران سوریه و مسئله ی هسته ای ایران را به هم پیوند زنند. (فرزند، ۱۳۹۱: ۲۳)

چهارم آنکه در صورت پیروزی بشار اسد در سوریه جمهوری اسلامی ایران نه تنها به یک قدرت منطقه ای بلکه به قطب بزرگ و مرکز شیعیان جهان نیز تبدیل خواهد شد. (ودیدی، ۱۳۹۲: ۴۶)

سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه شمال دو طرح کلی است: اول اینکه همواره سعی کرده تا از حکومت بشار اسد در سوریه در مقابل مخالفین محلی و منطقه ای قاطعانه حمایت نماید. چرا که در صورت روی کار آمدن مخالفین در سوریه، به محور استراتژیک ایران - سوریه - حزب الله لبنان، آسیب جدی وارد می شود. دوم اینکه جمهوری اسلامی ایران با جلوگیری از سقوط حکومت بشار اسد سعی دارد که از ظهور یک حکومت بنیاد گرا در سوریه نیز ممانعت به عمل آورد چرا که ظهور چنین حکومتی ممکن است موقعیت ایران را در تقابل جدی با عربستان سعودی به عنوان شریک و متحد استراتژیک آمریکا در منطقه خاورمیانه تضعیف نماید. بنابراین رویکرد و سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه، مخالف با هر نوع تغییر اساسی به نفع آمریکا و متحدین منطقه ای این کشور در سوریه است. (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵ - ۱۳۴)

### نتیجه گیری:

این تحقیق در پاسخ به سوال رویکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سیاسی سوریه از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ دنبال چه اهدافی هستند؟ این فرضیه را مطرح کرد که از اینکه تحولات براساس عوامل داخلی، خارجی و حضور گروهک تکفیری و سلفی داعش در شرایط بروز تعامل کمتر و تقابل بیشتر در سیاست خارجی ایران و ترکیه را با توجه به اهداف و منافع دو کشور فراهم کرده است.

یافته های پژوهشی حاکی از این امر است که ایران و ترکیه به عنوان دو کشور غیر عرب در خاورمیانه با به کارگیری سیاست خارجی مبتنی بر الگوی واقع گرایی تدافعی و واقع گرایی تهاجمی در بحران سوریه در دو جبهه ی متفاوت قرار گرفته اند. ترکیه نگران افزایش نقش و قدرت جمهوری اسلامی ایران در سوریه است و ایران نگران حمایت ترکیه از معترضان دولت اسد و همکاری ترکیه با کشورهای غربی در جهت کمک به داعش است.

به عبارت دیگر: در بحران سوریه ایران، با سیاست خارجی تدافعی مخالف هر نوع تغییر سیاسی به نفع ترکیه و متحدان منطقه ای بخصوص اسرائیل و عربستان و فرا منطقه ای آن آمریکا و بلوک غرب می باشد و ایران دنبال حفظ وضع موجود سوریه و مخالف سقوط بشار اسد می باشد. در مقابل ترکیه با به کارگیری سیاست خارجی تهاجمی دنبال تغییر وضع موجود است، کاهش نفوذ ایران در منطقه و سوریه می باشد ولی در شرایط روابط بین الملل و منطقه ای ترکیه نگاه محافظه کاری نسبت به ایران نشان می دهد و دست همکاری در موضوع سوریه با ایران می دهد.

با ملاحظه و بررسی دقیق در تحولات اخیر سوریه، بحران سوریه و ماهیت موضع حمایتگرایانه ی ایران نسبت به نظام سوریه، متوجه خواهیم شد که تصور مذکور کاملاً به دور از واقعیت بوده و مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه مبتنی بر رویکرد واقع گرایانه، ژئوپلیتیکی و همپوشانی منافع امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت و ملت سوریه بنا شده است.

و نشان دهنده ی این است که منافع ترکیه در بعضی از موضوعات سیاست های خارجی با جمهوری اسلامی ایران گرویده است و نمی توان این دو کشور را در سیاست خارجی با یکدیگر جدا و نگاه دو قطبی کرد.

### منابع فارسی:

- ۱- برچیل، اسکات، اندرولینکیتز، جک دانلی، ماتیوپترسن، کریستین رويس، اسمیت، ریچارد دیوتیاک، جکی ترو (۱۳۹۱) نظریه های روابط بین الملل، مترجمین، حمیرا مشیر زاده، روح الله طالبی آرنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول

- ۲- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۹) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت

- ۳- قوام ، عبدالعلی ، (۱۳۹۰) روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها ، تهران ، سمت، چاپ پنجم
- ۴- قاسمی ، فرهاد ، (۱۳۹۳) اصول روابط بین الملل ، تهران ، نشر میزان ، چاپ پنجم
- ۵- موسوی ، سید مسعود ، (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل مواضع و عملکرد ترکیه در قبال داعش در داعش حقیقی و حقیقت داعش ، به اهتمام دکتر محمد حسن حبیبیان ، تهران ، پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی
- ۶- امیدی ، علی (۸۷-۱۳۸۶) چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه ای ، مطالعه موردی ایران و سوریه ، فصلنامه مطالعات خاورمیانه ، شماره ۱ و ۴ ، زمستان ۸۶ و بهار ۸۷
- ۷- پرچم دار ، تینا (۱۳۹۲) پشت پرده تحولات سوریه از ابتدا تا کنون ، ماهنامه بیداری اسلامی ، سال دوم ، شماره ۶ ، ص ۶۱-۵۸
- ۸- جعفری ولدانی ، سید اصغر و سید علی نجات (۱۳۹۲) نقش قدرت های منطقه ای در بحران سوریه ۱۳۹۳-۱۳۹۰ فصلنامه مطالعات خاورمیانه ، سال بیستم ، شماره چهارم ، زمستان ، ص ۱۷۶ تا ۱۴۱
- ۹- جعفری ولدانی ، سید اصغر و سید علی نجات (۱۳۹۲) نقش قدرت های منطقه ای در بحران سوریه ۱۳۹۳-۱۳۹۰ فصلنامه مطالعات خاورمیانه ، سال بیستم ، شماره چهارم ، زمستان ، ص ۲۹-۴۹
- ۱۰- صفوی، سید حمزه و سید مهدی ، نبوی (۱۳۹۵) رفتار شناسی ترکیه در قبال تحولات سوریه در پرتو دکترین عمق راهبردی ، مجله سیاست دفاعی ، سال بیستم چهارم ، شماره ۹۴ ، بهار
- ۱۱- عسگریان ، عباسقلی و تجری ، سعید (۱۳۹۶) تاثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز ، فصل نامه آسیای مرکزی و قفقاز ، شماره ۹۷ ، بهار ، ص ۱۳۹-۱۷۳
- ۱۲- فرزندی ، عباسعلی ، (۱۳۹۱) اهمیت راهبردی سوریه برای ایران ، ماهنامه پیام انقلاب ، شماره ۶۲ ، ص ۲۴-۲۲
- ۱۳- لینکلینتر ، آندرو (۱۳۸۶) نو واقع گرایی ، نظریه انتقادی و مکتب برسازي ، ترجمه علیرضا طیب ، تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، چاپ اول ، بهار
- ۱۴- نیاکویی ، سید امیر و همکاران (۱۳۹۲) تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳ فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام ، سال سوم ، شماره ۱ ، ص ۱۳۹-۱۱۹
- ۱۵- نیاکویی ، سید احمد و علی اصغر ، ستوده (۱۳۹۵) الگوی تقابل بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در منازعات داخل سوریه و عراق (۲۰۱۱-۲۰۱۵) فصل نامه راهبردی ، سال بیست و پنجم ، شماره ۸۰ ، پاییز ، ص ۱۵۱-۱۱۷

منابع انگلیسی :

- 1- Birke ، Sarah (2013) How al –Qaeda Changed The Syrian War ، in New York Review Of Books .
- 2- Bishku ، Michael B. 2016 Turkish – Syrian Relation ، Achecked History .
- 3- Bulut ، Uzay (2014) Subjugates The Kurds it Shares Isis Tdeological، Bed ، Available online at
- 4- Bartell ، Dawn ، L David . HGYay.(2012) Conflict in Syria and The Oppor Tunity To Reduce Iran Regional In fluence and Iran Threat to The In Terhational community.
- 5- Davuto Iu ، I dresmi olarak . www : Tcvhidhaber. Com
- 6- Davutoglu،Ahmet 2001، Strategic Depth ، Turekys Internation al position ، Istanbul ، Yayinlari
- 7- Fulton . Willetal (2013) Iranin Strate Gyin Syvian، Journal Of Aei Critical Threats Ihstitue For The Study Of War pp.1-42
- 8- Grigoriad is ، Ioammis 2010 ، The Davutoglu Doctrine and Turkish Foreign Policy Middle Eastern Studies Programmed
- 9- Goodarzi ، Jubin M (2013) Syria and Alliance Cooper ation ina changing Regional Envir on ment
- 10- Iddon ، Paul ، Dec . 2015 . Old tarkey Neglect ISIS To Their Peril ، Available Onliheat

- 11- Oxford Analytica، April 24 ، 2012 ، Turkey Shifts Sights Eastwards as Eu Relations Stall ، available at  
HTTP \ \ :www . oxan . com Analysis Daily Brief Samples turkey shifts Sightseast wards.
- 12- Stuart، Hannah (2011) Turkey and Arab Spring ، The Henry Jackson Society ، Project For Democratic Geoplitics .
- 13- TasPinar ، Omer 2012 ، Turkeys Strategic Vision and Syria . Center for Strategic and Intenational Studies ، The Washing ton Quarterly
- 14- Yesilada ، Atilla (2014) Tarkey semign heglect helped spur The Islamic State Available Ohlihe at www. Dailystar.com